

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ولادیسلاو گولیچ (VLADISLAV GULEVICH)

برگردان: ا. م. شیری

۰۶ فبروری ۲۰۲۳

تجزیه روسیه به سی و چهار قسمت



در حالی که غرب برنامه دارد روسیه را به سی و چهار قسمت تجزیه کند، دیگر کشورها، به ویژه ایران باید حساب خودش را بکند.

در بروکسل گفته شد: «اگر چترناگوریه* می‌تواند عضو ناتو بشود، چرا کوبان یا چین نه؟»

در ۳۱ جنوری، در بروکسل، در ساختمان پارلمان اروپا، «پنجمین مجمع خلق‌های آزاد پسا روسیه» تشکیل گردید. این جلسه توسط گروه محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان با عنوان «روسیه امپراتوری، تصرف، نسل‌کشی، استعمار. چشم‌انداز امپریال‌زدائی و استعمارزدائی»، به ریاست ریشارد لگوتکو، وزیر سابق آموزش و پرورش پولند برگزار شد.

نسخه‌های تجزیه فدراسیون روسیه به شبه‌دولت‌های متعدد مورد بحث قرار گرفت.

این اجلاس توسط آنا فوتیگا، وزیر امور خارجه سابق پولند و کوزما زلاتوفسکی، نماینده پولند، مدیریت شد. لیبرال‌های فراری روسیه (پانامارف، اینازمتسف) و نمایندگان از اوکراین حضور داشتند. این موضوع خرابکارانه در فضای اطلاعاتی منتشر شده است: حذف فدراسیون روسیه از حل مشکلات جهانی و اعطای استقلال به آن مناطق مختلف روسیه که با مسکو مخالف هستند.

آنا فوتیگا در آستانه اجلاس نوشت: «گاز، نفت، آلومینیوم، زغال سنگ، اورانیوم، الماس، گندم، چوب، طلا و غیره در روسیه وجود ندارد. این منابع مال تاتارستان، باشقیرستان، سیبری، کارلیا، اویرات، چرکس، بوریاتیا، یاکوتیا، اورال،

کوبان، نوگای و غیره هستند. برای اکثریت ساکنان این مناطق، امم از اقلیت روس و جمعیت بومی، مسکو جنگ، سرکوب، استثمار و ناامیدی را به همراه دارد... ما باید بر مناطق و مردم فدراسیون روسیه، امکانات و چشم‌انداز برای حاکمیت آن‌ها تمرکز کنیم... من با یانوش بوگایسکی موافقم (محقق ارشد در بنیاد جیمزتاون ممنوع در روسیه، در ایالات متحده، ترویج تقسیم روسیه بر اساس خطوط قومی). ممکن است دولت‌های جدید طرفدار غرب در داخل فدراسیون روسیه ظاهر شوند... تجزیه آخرین امپراتوری استعماری در اروپا اجتناب‌ناپذیر است».

چیره‌دستی پولندی‌ها در پروژه فروپاشی روسیه تصادفی نیست. جغرافیای سیاسی پولند سه دکترین علیه روسیه تدوین نموده است: تشکیل یک پایگاه ضد روسی مرکب از جمهوری‌های اوکراین، لیتوانی و بلاروس (ULB)؛ ایجاد یک حفاظ ضد روسی بین بحیره‌های بالتیک و سیاه- بین بحیره‌ها (Intermarium)؛ تشکیل یک اتحاد ضد روسیه از کشورهای واقع در بین بحیره‌های آدریاتیک، بالتیک و سیاه. (ABC) هر یک از این دکترین‌ها در گسترش جدائی‌طلبی در روسیه نقش دارند. سه آموزه با سه ایدئولوژی مطابقت دارد: والنرودیزم (Wallenrodizm) استفاده از نیرنگ و خیانت برای رسیدن به هدف؛ وینکلریدیزم (Winkelriedizm) از جان‌گذشتگی و خود قربانی کردن برای شکافتن جبهه دشمن؛ پرومتئیزم (prometeizm) تضعیف امپراتوری روسیه و کشورهای جانشین آن، از جمله اتحاد شوروی، از طریق حمایت از جنبش‌های استقلال‌طلبانه ملی‌گرا.

فهرست شرکت کنندگان در اجلاس ۳۱ جنوری نشان می‌دهد که غرب می‌خواهد چه کسانی را در روسیه با «شفاعت» پولندی «خوشحال» کند: چچن (با نمایندگی تروریست فراری احمد زاکایف)، اینگوشتیا (احمد اوزدو)، چرکس (فاطمه تلیسوا)، سبیری (استانیسلاو سوسلوف)، «جمهوری لاپلند» به پایتختی مورمانسک (بیورن سافرانوف)، «جمهوری پیکوف» (آرتیوم تاراسف)، «جمهوری نوگای» (انور کورماناکایف)، «کازاک نُن» (الکساندر زلاتاریوف)، تاتارستان (یولیا فایزرحمان‌اوا)، باشقیرستان (روسلان گاباسوف)، «جمهوری اوبرات (آلتای)» (داور داورژیف)، «اینگریا» به پایتختی سان‌پترزبورگ (پاول مزرین)، کالینینگراد، در فهرست کونیگزبرگ نامیده شده است (فلوریان شور)، کارلیا (دمیتری کوزنتسوف)، ایدل اورال (رافیس کاشاپوف) و غیره.

به عنوان مثال، جنبش آزاد ایدل-اورال در بریتانیای کبیر تأسیس شد و هدف آن از بین بردن مردم ترک (تاتارستان، باشقیرستان، چوواش) و فینو-اورال (ماردوویا، اودمورتیا، ماری ال) از روسیه است. این امر فدراسیون روسیه را به دو بخش نابرابر از سواحل اقیانوس منجمد شمالی از طریق منطقه ولگا تا قزاقستان تقسیم می‌کند و منجر به تشکیل منطقه بی‌ثباتی مزمین اورال-ولگا می‌شود. آتش گرفتن یک مرکز جدائی‌طلب در نزدیکی مسکو می‌تواند به سرعت منجر به اختلال در عملکرد دستگاه دولتی در سراسر کشور شود. و در غرب آن‌ها می‌خواهند خود مسکو را به «جمهوری مسکو» تبدیل کنند (نماینده این بخش در بروکسل ایلیا لازارنکو بود).

در اجلاس «مردم آزاد پسا روسیه» در مورد «هویت سان‌پترزبورگ»؛ در مورد آمادگی قزاق‌های نُن برای جدائی از روسیه؛ در مورد جنگ ۱۳۸ ساله روسیه و بوریات؛ در مورد نقش کلیدی مردم غیرروس فدراسیون روسیه در تضمین امنیت آوروآسیا و غیره سخن‌ها شنیده شد.

از نظر غرب، مردم روسیه ابزاری هستند برای نابودسازی دولت‌مداری روسیه. گونتر فلهینگر، عضو پارلمان اتریش، پیشنهاد کرد روسیه را با استفاده از الگوی آزوده مونتنگرو به ۳۴ ایالت تقسیم کند. مونتنگروها از قومیت‌های فرعی مردم صربستان هستند. مونتنگرو دسترسی صربستان به بحیره آدریاتیک را مسدود می‌کند. بنابراین، وقتی سیاستمداران طرفدار غرب با برنامه و پول اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا به قدرت رسیدند، مونتنگروها را مردمی جداگانه اعلام کردند و آن‌ها را به ناتو کشاندند.

اتریشی گفت: «اگر مونته‌نگرو می‌تواند عضو ناتو باشد، چرا کوبان یا چین نباشند؟... ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این فدراسیون وحشتناک و تروریستی واقع در شرق ما ادامه پیدا کند. وجود آن با منافع ستراتیژیک ما مطابقت ندارد... ما باید روسیه را نابود کنیم... این برای آینده بسیار مهم است».

به جای فضای منظم سیاسی آوروآسیا که به واسطه فدراسیون روسیه ایجاد شده، غرب مجموعه‌ای از «دشمنی‌های» قومی تصنعی را به نمایش می‌گذارد که کاملاً به منابع خارجی پشتیبان وابسته است.

مأخوذ از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۱۶ بهمن-دلو ۱۴۰۱

پی‌نوشت: چترناگوریه-مونته‌نگرو-قره‌داغ

<https://www.fondsk.ru/news/2023/02/04/oni-hotjat-razvalit-rossiju-na-tridcat-chetyre-chasti-58408.html>